



حرکت روی گسل وابستگی و پایان رؤیای توسعه وارداتی

سراب آبادانی در عمارت‌های شیشه‌ای

سرمقاله

< > در معماری اصیل ایرانی، استادکاران قبل از گذاشتن خشت اول، روزها برای محکم کردن پی ساختمان وقت صرف می‌کردند. آن‌ها با تجربه دریافته بودند عمارتی که روی خاک سست بنا شود، با اولین لرزش فرو می‌ریزد. داستان اقتصاد و آبادانی ملت‌ها شباهت عجیبی به همین حکایت کهن دارد. سال‌هاست در منطقه حساس غرب آسیا، دونقشه‌راه کاملاً متفاوت برای آینده پیشنهاد می‌شود. یکی نمایی پرزرق‌وبرق و نمایشی دارد و دیگری مسیری سخت، اما واقع‌گرا، ریشه‌دار و اصیل است.

طراحان نظم آمریکایی دهه‌ها تلاش کردند نسخه خاصی از توسعه را به کشورهای منطقه ما بفروشند؛ یک پیشرفت ویتربینی که در ظاهر چشم‌نواز می‌نماید، اما موتور محرک آن کاملاً در دست بیگانگان قرار دارد. در این مدل وارداتی، گوهر اصلی، یعنی «استعداد انسانی»، «تولید دانش» و «استقلال»، نادیده گرفته می‌شود. همه چیز از پیش آماده است. از فناوری استخراج نفت تا تسلیحات و نرم‌افزارهای امنیتی، با پول خریداری می‌شود. هدف پنهان این نسخه، خلق کشورهای مرفهی بود که مصرف‌کنندگانی مطلق باشند

و اراده ایستادگی در برابر سیاست‌های کلان بیگانه را از دست بدهند. برخی از کشورهای دور و نزدیک، مدت‌ها همین مسیر راحت را پیمودند. برج‌های سر به فلک کشیده و شهرهای درخشان، تصویر یک موفقیت رویایی را به جهان مخابره می‌کرد. با گذشت زمان و بروز تلاطم‌های ژئوپلیتیک، پرده از یک حقیقت تلخ برداشته شد. آن‌ها رفته‌رفته دریافتند تمام این ثروت و آبادانی، روی آب بنا شده است. توسعه وابسته، هیچ چتر امنیتی پایداری برایشان نگشود و اقتصادشان را در برابر تکانه‌های جهانی ایمن نکرد. رویکرد معنادار اخیر این کشورها به سمت پیمان‌های امنیتی، اقتصادی و بومی در منطقه و تلاش برای بازسازی روابط همسایگی، اعتراف بی‌صدایی به بن‌بست همان ایده پیشرفت وابسته است. آن‌ها متوجه شدند خرید امنیت و توسعه، سرایی بیش نیست. رفتن به سمت پیمان‌ها و ائتلاف‌های بومی و منطقه‌ای، نظیر پیمان مکه و دیگر پیمان‌های مشابه آن، اشاره به ناامیدی از توسعه وابسته و پایان نظم متکی به آمریکا دارد.

بررسی تاریخ اقتصاد جهان، گواه روشنی بر این

مدعاست. هیچ قدرت صنعتی بزرگی، با تکیه بر عصای دیگران راه رفتن را نیاموخته است. مسیر توسعه آلمان، انگلستان و حتی خود ایالات متحده، حاصل سال‌ها تکیه بر نبوغ داخلی، حفظ استقلال همه‌جانبه و تحمل فشارهای سنگین بوده است. پیشرفت واقعی با قدرت درون‌زا و نیروی انسانی گره خورده است. با حذف این عناصر، دستاوردها شکننده و عاریتی خواهند بود. در میانه این تقابل تاریخی، رهبران انقلاب اسلامی با نگاهی ژرف و واقع‌بینانه، دست رد به سینه این توسعه تقلبی زدند. انتخاب راهبرد مقاومت در برابر نظم تحمیلی غرب، یک شعار احساسی نبود؛ یک ضرورت قطعی برای بقا و رشد حقیقی بود. ایران مسیر دشوار زایش از درون را برگزید. امروز، دستاوردهای خیره‌کننده جوانان این آب‌و‌خاک در لبه‌های دانش جهانی، از فناوری نانو و علوم هسته‌ای گرفته تا صنایع پیچیده دفاعی و تولیدی، میوه‌های شیرین همان انتخاب استراتژیک است. اگر قرار بود کشور در مدار وابستگی حرکت کند، سهم ما از این علوم، در بهترین حالت، کاربری محدود ماشین‌آلاتی بود که کلید خاموش و روشنش در جیب دیگران قرار داشت و با اولین تکانه

کوچک، به سادگی فرو می‌ریخت. این‌که بسیاری از کشورهای به‌ظاهر پیشرفته با کوچک‌ترین ناآرامی در فضای ژئوپلیتیک، اقتصاد و تجارتشان فرو می‌ریزد، اما جمهوری اسلامی ایران زیر سنگین‌ترین فشارهای تحریمی و چند ماه جنگ مستقیم نظامی با دو ابرقدرت اتمی جهان، همچنان اقتصادی سرپا و پویا دارد، قیاس این دو الگوی پیشرفت را به خوبی برای همه عیان کرده است. ایستادگی برای ساختن یک اقتصاد مستقل و مقتدر، شبیه صعود از یک صخره سنگی و مرتفع است. در این مسیر صخره‌نوردی، دست‌ها زخمی می‌شود، نفس‌ها به شماره می‌افتد و شیب مسیر طاقت‌فرساست. در پایین کوه، عده‌ای سوار بر تله‌کابین‌های عاریتی، بی‌هیچ زحمتی اوج می‌گیرند، اما با اولین قطع برق، میان زمین و آسمان معلق می‌مانند و گرفتار ترس سقوط می‌شوند. کوهنورد اما با هر قدم، عضله‌ای فولادین می‌سازد و جای پای خود را در سنگ محکم می‌کند. ملتی که سختی این صعود را به جان می‌خرد، سرانجام طعم شیرین و ماندگار فتح قله را خواهد چشید؛ قله‌ای که هیچ طوفانی توان لرزاندن سنگ بنای آن را نخواهد داشت.

##اعتراف نماینده دموکرات ایالت کانکتیکات

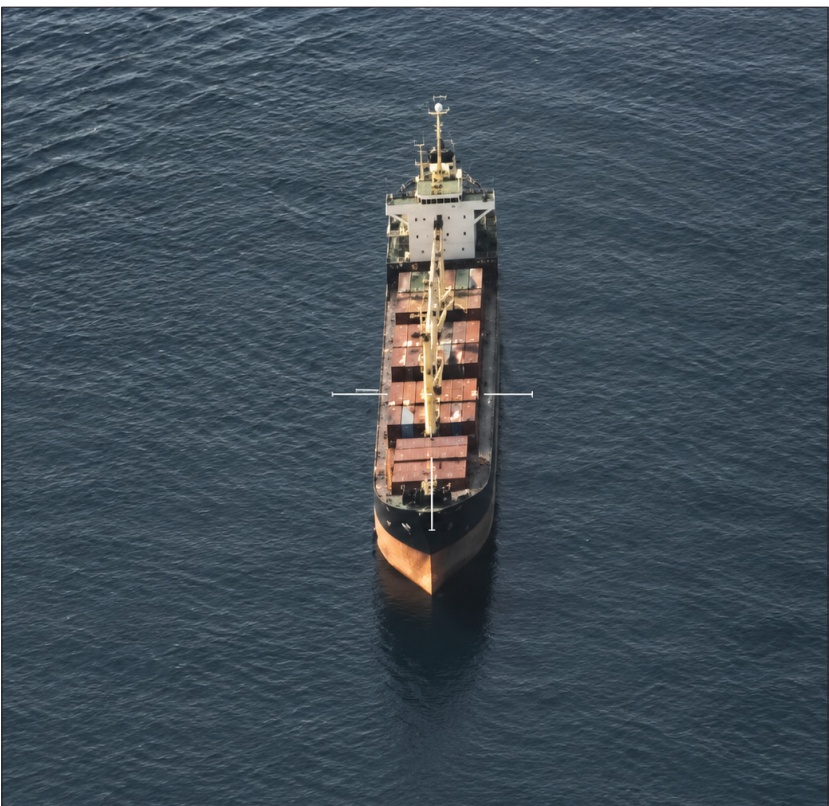
شکست توهم آمریکایی

< > جنگ شکست‌خورده آمریکا علیه ایران باعث شده تا سناتورهای این کشور علیه سیاست‌های ترامپ موضع‌گیری کنند. سناتور کریس مورفی، نماینده دموکرات ایالت کانکتیکات، با اشاره به تبعات جنگ نوشت که ۱۸ آمریکایی کشته شده‌اند، میلیاردها دلار خسارت به پایگاه‌های آمریکا وارد شده و ذخایر موشکی این کشور به شدت کاهش یافته است. او همچنین از فشار اقتصادی بر کشاورزان و افزایش قیمت بزرین تا حدود ۵ دلار سخن گفت و در نهایت تأکید کرد که ایران «قوی‌تر از همیشه» است، در حالی که ترامپ جنگ را کم‌اهمیت می‌داند و به گفته مورفی، دچار «توهمی خطرناک» شده است. اهمیت این اظهارات در این است که معیار ارزیابی جنگ را از «میزان حمله» به «هزینه در برابر دستاورد» منتقل می‌کند. آمریکا برای حمله به ایران ناچار به مصرف گسترده ذخایر موشکی، تحمل تلفات، آسیب به پایگاه‌ها و پذیرش تبعات اقتصادی شده است، اما تهران همچنان توان ادامه مقاومت و حفظ ظرفیت‌های راهبردی خود را دارد و این مسئله باعث شکست پروژه تبلیغاتی ترامپ در مورد پیروزی در جنگ شده است. آمریکا در جنگ علیه ایران شکست خورده است؛ نه فقط به دلیل هزینه‌های سنگین، بلکه چون نتوانسته اهداف اصلی خود را محقق کند و در مقابل، ایران همچنان توان ادامه تقابل را حفظ کرده است. اکنون حتی مقامات آمریکایی نیز ناگزیر از اعتراف به این واقعیت هستند.

آخرین خبر

انتشار تصاویر رصد و اقدام سپاه علیه شناورهای متخلف

< > سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اولین بار تصاویری از رصد و اقدام علیه شناورهای متخلف در تنگه هرمز منتشر کرد. با اقدام و مدیریت قاطع نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تنگه هرمز، هرگونه اقدام مشکوک مورد هدف قرار می‌گیرد. ایالات متحده بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت کشورهای منطقه و تجارت دریایی است؛ پشتیبانی و اسکورت ایالات متحده دروغی بزرگ است!



آمریکا حامی تروریسم و ناقض حقوق

< > واقعیت این است که نظامی که امروز در دنیا حامی تروریسم است، رژیم ایالات متّحده امریکا است. حمایت از رژیم تروریست صهیونیستی در کشور غصب شده فلسطین، بزرگ‌ترین حمایت از تروریسم است. روشهای خود امریکاییها، یعنی دخالتشان در کشورها، ربودن افراد و اشخاص مخالف، کشتن افراد، دخالت سازمان جاسوسی سیادر کشورهای مختلف و ایجاد کودتاهاى نظامی و از بین بردن حکومتها و دولتهاى ضعیفی که امریکا با آنها مخالف بوده است، همه از قلمهای درشت تروریسم است... یادر موضوع نقض حقوق بشر، خود آن دولتها و از جمله رژیم امریکا، که جمهوری اسلامی ایران و هر نظام اسلامی را در هر جا که بخواهد به وجود بیايد - یا به وجود آمده باشد - به نقض حقوق بشر متهم میکنند، میدانند که قلمهای درشت نقض حقوق بشر، در نزد خود آنهاست... جالب این جاست که بسیاری از همین رجال و شخصیت‌های سیاسی که در کشورهای غربی - چه امریکا و چه بعضی از کشورهای اروپایی - جمهوری اسلامی و مسلمانان را با تهمتهای ناروا، متهم به نقض حقوق بشر میکنند، چند صباحی که میگذرد و دوران مسؤولیت و ریاستشان به سر می‌آید، ناگهان معلوم میشود که مثلاً با مافیا مرتبط بوده‌اند یا در فلان معاملات قاچاق سلاح و یا در فروش موادسلاحهای شیمیایی دخالت داشته‌اند!... گذشت زمان - نه زمانهای بسیار طولانی؛ بلکه زمانهای کوتاه - ثابت خواهد کرد که خود آنها به آن چیزی که تهمت آن را به مردمان و دامنه‌های پاک می‌زدند، آلوده بوده‌اند. ۱۳۷۲، ۱۳/۱۴

*نکاتی برگرفته از مبانی نظری و تجربی رهبر شهید انقلاب درباره آمریکا